

کارکردهای اجتماعی آموزه انتظار، از منظر آیت‌الله العظمی خامنه‌ای

Esmaeel.cheraghi@gmail.com

اسماعیل چراغی کوتیانی / دکترای جامعه‌شناسی فرهنگی

دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۲ - پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۲۰

چکیده

باورها و اعتقادات، از جمله پدیده‌های کارکردی هستند که بر زندگی کنشگران اجتماعی تأثیر می‌گذارند. آموزه «انتظار» از جمله باورهای دارای کارکرد است که از طریق ایفای نقش‌های گوناگون به بازتولید و استمرار حیات دین و جامعه دینی کمک می‌کند. تبیین کارکردهای این آموزه از منظر آیت‌الله العظمی خامنه‌ای به‌عنوان اندیشمند دینی که خود بر اساس همین آموزه در بالاترین سطح رهبری جامعه اسلامی به ایفای کنشگری فعال مشغول‌اند، از اهمیت بسیاری برخوردار است. مؤلف در این نوشتار کوشیده تا به بررسی و تحلیل کارکردهای اجتماعی آموزه انتظار از منظر مقام معظم رهبری بپردازد. روش پژوهش، توصیفی و تحلیلی با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای است. یافته‌ها حاکی از این است که آیت‌الله خامنه‌ای ضمن کارکردی دیدن آموزه «انتظار»، به عناصر ذیل به‌عنوان کارکردهای اجتماعی انتظار اشاره نموده‌اند: کارکرد امیدآفرینی، امکان‌پذیری و ضرورت مبارزه با ظلم، ایجاد آمادگی برای تغییر، عدم رضایت از وضعیت موجود، عاملیت پیشرفت و نظارت‌پذیری.

کلیدواژه‌ها: انتظار، مهدویت، کارکرد، کارکردگرایی، آیت‌الله خامنه‌ای.

از منظر جامعه‌شناسی، همه پدیده‌های اجتماعی دارای کارکرد هستند. کارکردی بودن یک پدیده، به معنای پیامد و منشأ اثر بودن است. باورها و اعتقادات نیز از این امر مستثنا نیستند. باورها از طریق تأثیرگذاری در زندگی بشر، در میدان اجتماعی به ایفای نقش می‌پردازند. یکی از باورهای مهم و کارکردی جامعه اسلامی باور به مهدویت و انتظار است. این پدیده، از طریق ایفای نقش‌های گوناگون به بازتولید و استمرار دین و جامعه دینی کمک می‌کند. از این‌رو، یکی از بحث‌های مهم از منظر جامعه‌شناسی دین و نیز اندیشمندان اجتماعی، بحث از کارکردهای اجتماعی عناصر و آموزه‌های دینی همچون «آموزه مهدویت» و «انتظار» است. در این میان، دیدگاه رهبران اجتماعی و کسانی که خود در متن تحولات اجتماعی به کنشگری فعال پرداخته‌اند، دارای اهمیت بسیاری است. آیت‌الله العظمی خامنه‌ای یکی از متفکران و رهبران برجسته جهان اسلام، در این خصوص صاحب نظریه است. با توجه به جایگاه مهم این سیاستمدار بزرگ در ساختار اقتدار مبتنی بر دین از یک سو، و برخورداری ایشان از پایگاه علمی در اندیشه دینی از سوی دیگر، واکاوی کارکردهای آموزه انتظار از منظر ایشان از اهمیت بسیاری برخوردار است. از این‌رو، این نوشتار تلاش می‌کند با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از روش گردآوری اسنادی و کتابخانه‌ای به واکاوی رویکرد ایشان در خصوص کارکردهای اجتماعی آموزه انتظار بپردازد. سؤال اصلی پژوهش این است که کارکردهای اجتماعی آموزه انتظار از منظر آیت‌الله خامنه‌ای چیست؟

ضرورت بحث از کارکردهای اجتماعی آموزه انتظار

برای بیان ضرورت بحث از کارکردهای اجتماعی آموزه انتظار می‌توان به امور ذیل استناد کرد:

۱. لزوم آشنایی با ظرفیت‌های اجتماعی آموزه انتظار

این لزوم بدان جهت است که از یک سو، این آموزه برگرفته از باورهای مهم شیعه است که باید در خصوص آن آگاهی داشته باشند و از سوی دیگر، آنچه این ضرورت را دو چندان می‌کند، این است که آموزه انتظار در دو حوزه فردی و اجتماعی دارای کارکرد است. اما باید گفت: حتی جامعه‌نخبگانی، اغلب با کارکردهای فردی آن آشنا بوده و روایات را هم با این نگرش تحلیل می‌کنند. درحالی‌که ظرفیت اجتماعی آن هنوز به خوبی شناخته نشده است.

۲. کمک به تربیت و خودسازی جامعه منتظر

شناخت کارکردهای اجتماعی انتظار، نه تنها برای خودسازی که برای جامعه‌سازی از اهمیت بسزایی برخوردار است. این امر، از این جهت است که جامعه‌سازی از طریق حرکت در مسیر اندیشه مهدوی میسر خواهد بود. افزون بر اینکه خودسازی و جامعه‌سازی، زمینه تأمین نیرو و کادرسازی برای آن انقلاب بزرگ را فراهم می‌سازد.

۳. تقویت قدرت اجتماعی و نظام سیاسی حاکم بر جامعه

آشنایی با کارکردهای اجتماعی این آموزه به تقویت قدرت سیاسی مبتنی بر آن کمک می‌کند. وقتی که کارکرد

انتظار، مقابله با ظلم و ستم است و همهٔ حاکمیت‌های غیردینی، از سنخ غیرمشروع معرفی شده و حکومت دینی تنها حاکمیت مشروع و زمینه‌ساز ظهور شناخته می‌شود، افراد به تقویت دولت زمینه‌ساز یاری خواهند رساند.

۴. نگاهی نو و فراگیر به اندیشهٔ مهدویت

در طول تاریخ شیعه، از بحث مهدویت برای نظریه‌پردازی در موضوع حکومت در عصر غیبت استفاده می‌شده است. در حالی که می‌توان از مسئلهٔ مهدویت، نه صرفاً در عرصهٔ تئوری‌های حکومت، بلکه در عرصهٔ فلسفهٔ تاریخ، علوم اجتماعی و سایر حوزه‌ها استفاده نمود و آن را در نحوهٔ مدیریت جامعه، اقتصاد، نحوهٔ فقرزدایی، رفتار سازمانی، روابط و مناسبات اجتماعی، قانونمندی و قانون‌پذیری جامعه، انسان‌شناسی، روان‌شناسی و سایر موارد به کار گرفت.

۵. آشنایی با اندیشه اجتماعی مقام معظم رهبری

آشنایی با دیدگاه اجتماعی رهبر انقلاب، از دو جهت برای ما دارای اهمیت است: از یک سو، به‌عنوان کسی که خود بر اساس آموزهٔ انتظار، در چارچوب اندیشه سیاسی شیعی به کنشگری فعال در عرصه سیاسی و اجتماعی پرداخته و دارای تجربه سیاسی و اجتماعی در سطوح بالا هستند. از سوی دیگر، اندیشه ایشان به‌عنوان یک متفکر و مصلح اجتماعی و صاحب‌نظر به‌خصوص در عرصهٔ اندیشه دینی، از اهمیت بالایی برخوردار است. از سوی دیگر، این نوشتار گامی است برای معرفی اندیشه اجتماعی مقام معظم رهبری به جامعه ایرانی و جامعه جهانی.

پیشینهٔ بحث

بی‌شک مقام معظم رهبری، یکی از برجسته‌ترین اندیشمندان جهان اسلام است که اندیشه‌های علمی، ناب و پربار ایشان تحت شعاع شخصیت سیاسی ایشان قرار گرفته و بررسی آنها از سوی جامعه علمی مورد غفلت قرار گرفته است. در این میان، اندیشه ایشان در خصوص آموزه انتظار و مهدویت، بیش از سایر عرصه‌های اندیشه ایشان مورد غفلت قرار گرفته است. با جست‌وجو در پایگاه‌های معروف، در زمینهٔ مقالات علمی از جمله نورمگز، مقالات علوم انسانی و نیز موتورهای جست‌وجو، هیچ اثری در زمینهٔ اندیشه ایشان در خصوص کارکردهای اجتماعی آموزه انتظار یافت نشد. هرچند در پایگاه‌های غیرعلمی به‌صورت خام برخی سخنان ایشان در خصوص مهدویت بازنشر یافته است، اما تحلیل علمی اندیشه ایشان به‌صورت نظامند و مدون و در قالب اثری علمی و پژوهشی هنوز مورد توجه قرار نگرفته است. شاید تنها اثری که در این زمینه می‌توان بر شمرد، مقاله «بررسی مناسبات انتظار موعود و الگوی اسلامی پیشرفت در اندیشه مقام معظم رهبری» است که توسط حسن ملایی و محمدصابر جعفری نگاشته شده است. اما این اثر نیز آنچنان که از نام آن پیداست، صرفاً به رابطهٔ مناسبات انتظار و الگوی پیشرفت پرداخته است و هرگز مسئلهٔ این تحقیق را مورد بررسی قرار نداده است. از این رو، این تحقیق از این جهت دارای نوآوری در موضوع و محتواست.

مفهوم‌شناسی

۱. کارکرد

«کارکرد»، مفهومی پرکاربرد در ادبیات جامعه‌شناسی است. از منظر جامعه‌شناسی، «کارکرد» به معنای نتیجه و اثری است که انطباق یا سازگاری یک ساختار معین یا اجزای آن را با شرایط لازم محیط فراهم می‌کند (گولد و کولب، ۱۳۷۶، ص ۶۷۹). از این رو، کارکرد به معنای اثر یا پیامدی است که یک پدیده در ثبات، بقاء و انسجام نظام اجتماعی دارد. به عبارت دیگر، کارکردگرایی هر پدیده یا نهاد اجتماعی را از نظر روابط آن با تمامی ساختار جامعه (که آن پدیده یا نهاد جزئی از آن است) مورد شناخت قرار می‌دهد (محسنی، ۱۳۸۳، ص ۵۳).

۲. کارکردگرایی

«کارکردگرایی»، یکی از نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی است که به تبیین پدیده‌های اجتماعی می‌پردازد. کارکردگرایی می‌کوشد تا هر نهاد مشخص اجتماعی و فرهنگی را در قالب پیامدهایی که برای جامعه، به مثابه یک کل دارد، تبیین کند. تبیین کارکردگرایانه بر این فرض استوار است که همه سنن و مناسبات و نهادهای اجتماعی دوام و بقا نشان به کار یا وظیفه‌ای بستگی دارد که در نظام اجتماعی بر عهده دارند (توسلی، ۱۳۷۶، ص ۲۱۲). به طور کلی، دیدگاه عمومی کارکردگرایی بر این اصل استوار است که جامعه مانند یک ارگان زیستی بزرگ است که اعضا و جوارح مختلف آن، هر یک وظیفه و کار معینی انجام می‌دهد که در رابطه با کار و وظیفه سایر اعضا و اجزا، به انجام کل بدن کمک می‌کند و وظایف هر یک به نوبه خود، ضروری و اجتناب‌ناپذیر است؛ چراکه به کلیت نظام و حفظ آن کمک می‌کند (همان، ص ۲۳۶). گیلنر در تعریف کارکردگرایی می‌نویسد: «دیدگاهی نظری بر پایه این اندیشه که رویدادهای اجتماعی را می‌توان به بهترین وجه برحسب کارکردهایی که انجام می‌دهند - یعنی کمکی که به دوام و بقای جامعه می‌کنند - تبیین کرد» (گیلنر، ۱۳۸۷، ص ۸۰).

در تحلیل‌های کارکردگرایی (به ویژه در تحلیل نهادها) باید به سطوح متعدد تحلیل کارکردگرایی توجه کرد. تحلیل کارکردی در پایین‌ترین سطح با نقش فرد سروکار دارد. در این سطح، پرسش این است که نقش‌هایی که افراد بازی می‌کنند، چه کارکردی دارد؟ در سطحی بالاتر، پرسش این است که کارکرد یک نهاد در جامعه چیست؟ سؤال اول درباره اثر یک نقش بر محیط اجتماعی است؛ و در سؤال دوم درباره تأثیر یک نهاد بر محیط اجتماعی است. در سؤال اول، نقش (و نه عامل) و در سطح دوم نهاد مطرح است. یک نهاد ممکن است آمیزه‌ای از فعالیت نقش‌های شخصی به نظر برسد، اما در سطح نهادی تحلیل، اثر جمعی همه این کنش‌های شخصی با هم، مورد توجه است. در چنین سطحی، رفتارهای افراد معمولاً نادیده گرفته می‌شوند، درحالی‌که رفتار کل نهاد مورد موشکافی قرار می‌گیرد (اسکیدمور، ۱۳۸۵، ص ۱۶۸). در این نوشتار، سطح تحلیل نهادی است؛ بدین معنا که اثر آموزه نهادمند انتظار بر محیط اجتماعی مورد تأکید است.

۳. آموزه مهدویت

«موعود باوری»، به‌معنای اعتقاد به یک نجات‌بخش است که در آخرالزمان برای نجات و رهایی انسان‌ها و برقراری صلح و عدالت خواهد آمد. منجی موعود در نزد اقوام و ملل مختلف با آیین‌ها و فرهنگ‌های کاملاً متفاوت، به‌اشکال گوناگون مطرح شده و همه در یک نکته وحدت دارند که نجات‌بخشی خواهد آمد و آنان را از یوغ بندگی ستمکاران و رهنابیده، جامعه‌ای پر از عدل و داد به وجود خواهد آورد. مسلمانان معتقدند: این موعود حضرت مهدی عج است. آموزه‌های مربوط به این باور را «مهدویت» می‌گویند. امروزه اصطلاح «مهدویت»، با توجه به کاربردهای آن در سخنرانی‌ها، مقاله‌ها، کتاب‌ها، نشریه‌ها و مانند آن، برای اشاره به آموزه‌ها و بحث‌هایی در نظر گرفته می‌شود که به گونه‌ای با حضرت مهدی عج ارتباط دارد (سلیمیان، ۱۳۸۸، ص ۴۳۴). این اعتقاد، با عناوین دیگری نیز همچون آموزه مهدویت، گفتمان مهدویت، دکتین مهدویت، تفکر مهدوی، نظریه مهدویت، پارادایم مهدویت یاد می‌شود.

۴. انتظار

«انتظار»، در لغت به‌معنای چشم به راه بودن و نگران بودن است (معین، ۱۳۸۱، ص ۱۲۶). اما در اصطلاح، کیفیتی روحی است که موجب پیدایش حالت آمادگی است، برای آنچه انتظار می‌رود و نقطه مقابل آن یأس و ناامیدی است (موسوی‌اصفهانی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۲۳۵). مفهوم «انتظار» در اصطلاح کلام، برگرفته از روایات و به‌معنای چشم داشتن به وعده الهی است که بر اساس آن با ظهور موعود گشایشی در همه شئون زندگی بشر پدید می‌آید. از انتظار دو برداشت می‌شود که هر یک در جهت‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی تأثیرگذارند.

۱. برداشت منفی: در این نگاه، انتظار مفهومی برای تخدیر و مانعی برای حرکت است. ظهور، صرفاً ماهیت انفجاری دارد، و از اشاعه ظلم‌ها، تبعیض‌ها، اختناق‌ها و حق‌کشی‌ها ناشی می‌شود. این انفجار، وقتی رخ می‌دهد که اصلاح به نقطه صفر برسد و حق هیچ طرفداری نداشته باشد. براین اساس، هر اصلاحی در این جریان محکوم است؛ چون هر اصلاحی یک نقطه روشن است و تا نقطه روشن باشد دست غیب ظاهر نمی‌شود. پس بهترین کمک به تسریع در امر ظهور و بهترین شکل انتظار، ترویج و اشاعه فساد است (مطهری، ۱۳۸۸، ص ۴۳۶-۴۳۷). درحالی که این برداشت از ظهور و این نوع انتظار فرج به هیچ وجه با موازین اسلامی و قرآنی هم‌نوازی ندارد؛ زیرا از یک سو به نوعی تعطیل کردن حدود و مقررات اسلامی و نوعی اباحی‌گری است (همان، ص ۴۳۷). از سوی دیگر، مخالف نص صریح روایاتی است که یکی از ویژگی‌های منتظران را خدا پرورایی بیان می‌کند: «کسی که مایل است جزو یاران حضرت مهدی عج قرار گیرد، باید منتظر باشد و اعمال و رفتارش در حال انتظار با تقوا و اخلاق نیکو توأم شود» (مجلسی، ۱۳۶۴، ج ۵۲، ص ۱۴۰). بر اساس این برداشت غلط «هدف، وسیله را توجیه می‌کند» که از نظر دین اشتباه است؛ زیرا همان‌طور که حکومت حضرت مهدی عج، ریشه‌کن‌کننده ظلم و جور و برپاکننده عدل است، راه پیدایش این مقصود نیز باید چنین باشد: از ظلم و جور دور، از قساوت و قلدری برکنار و از دروغ‌گویی و ریاکاری خالی باشد. قداست مجوز گناه نمی‌شود؛ چراکه گناه جز گناه نمی‌زاید و با ظلم نمی‌شود عدل به پا کرد و با عقیده انتقام نمی‌توان دادگری کرد (صدر، ۱۳۸۷، ص ۸۷ و ۸۸).

۲. برداشت مثبت: عاملی از عوامل حرکت و قیام و انگیزش در زندگی مردم خواهد بود. نوع برداشت از انتظار، این است که ظهور حضرت مهدی عج از حلقه‌های مبارزه اهل حق و باطل است که به پیروزی نهایی اهل حق می‌انجامد. سهیم بودن یک فرد در این فرایند، متوقف بر این است که آن فرد عملاً اهل حق باشد. بنابراین باید اهل حقی باشد، نه اینکه ظهور وقتی محقق می‌شود که همه اهل باطل باشند (همان، ص ۴۳۷-۴۳۸).

مؤلفه‌های انتظار از منظر آیت‌الله خامنه‌ای

پیش از ورود به بحث از کارکردها، لازم است به مؤلفه‌های انتظار از منظر رهبری اشاره کنیم:

۱. اشتیاق برای وضعیت برتر و بالاتر: از نظر ایشان، «انتظار به معنای اشتیاق انسان برای دسترسی به وضعی برتر و بالاتر است و این حالتی است که بشر همیشه باید در خود حفظ کند و پیوسته در حال انتظار فرج الهی باشد» (بیانات مقام معظم رهبری، ۵/دی/۱۳۷۵).

۲. حرکت و آمادگی برای سربازی: در باور ایشان «انتظاری که از آن سخن گفته‌اند، فقط نشستن و اشک ریختن نیست؛ انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان آماده کنیم. سربازی امام زمان، کار آسانی نیست. ... احتیاج به خودسازی و آگاهی و روشن بینی دارد» (بیانات مقام معظم رهبری، ۳۰/مهر/۱۳۸۱). ایشان بر این باورند:

انتظار حرکت است. انتظار سکون نیست. انتظار رها کردن و نشستن برای اینکه کار به خودی خود صورت بگیرد، نیست. انتظار حرکت است. انتظار آمادگی است (بیانات مقام معظم رهبری، ۲۷/مرداد/۱۳۸۷). انتظار یعنی ترقب، یعنی مترصد یک حقیقتی که قطعی است، بودن؛ این معنای انتظار است. انتظار یعنی این آینده حتمی و قطعی است ... باید خود را آماده کنند، باید منتظر و مترصد باشند. انتظار لازم‌آتش آماده‌سازی خود هست (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۸/تیر/۱۳۹۰). در ادبیات نظامی، یک چیزی داریم به نام «آماده‌باش»؛ انتظار یعنی «آماده‌باش»! باید «آماده‌باش» باشیم. انسان مؤمن و منتظر، کسی است که در حال «آماده‌باش» است. اگر امام شما که مأمور به ایجاد عدالت و استقرار عدالت در کل جهان است، امروز ظهور بکند، باید من و شما آماده باشیم. این «آماده‌باش» خیلی مهم است؛ انتظار به این معنا است (بیانات مقام معظم رهبری، ۲۰/اردیبهشت/۱۳۹۶).

۳. گشایش از فروبستگی کار بشر: از منظر ایشان، «معنای انتظار فرج به عنوان عبارة آخرای انتظار ظهور، این است که مؤمن به اسلام، مؤمن به مذهب اهل بیت علیهم السلام وضعیتی را که در دنیای واقعی وجود دارد، عقده و گره در زندگی بشر می‌شناسد. ... منتظر است که این فروبستگی کار بشر، این گرفتاری عمومی انسانیت گشایش پیدا بکند» (بیانات مقام معظم رهبری، ۲۷/مرداد/۱۳۸۷).

۴. قبول نکردن وضعیت جهالت‌آمیز حاکم بر بشر: ایشان معتقدند: «انتظار فرج یعنی قبول نکردن و رد کردن آن وضعیتی که بر اثر جهالت انسان‌ها، بر اثر اغراض بشر بر زندگی انسانیت حاکم شده است. این معنی انتظار فرج است» (همان).

۵. قانع نشدن به وضعیت موجود: از نظر آیت‌الله خامنه‌ای، «انتظار یعنی قانع نشدن، قبول نکردن وضع موجود»

زندگی انسان و تلاش برای رسیدن به وضع مطلوب، که مسلم است این وضع مطلوب، با دست قدرتمند ولی خدا، حضرت حجت‌بن‌الحسن، مهدی صاحب زمان عج تحقق پیدا خواهد کرد (همان).

۶. غلبه حق و استقرار عدالت و توحید: از نظر ایشان «انتظار دست قاهر قدرتمند الهی ملکوتی است که باید بیاید و با کمک همین انسان‌ها سیطره ظلم را از بین ببرد و حق را غالب کند و عدل را در زندگی مردم حاکم کند و پرچم توحید را بلند کند؛ انسان‌ها را بنده واقعی خدا بکند. باید برای این کار آماده بود» (همان).

۷. هم‌شکلی با دوران ظهور: از منظر ایشان، «انتظار ایجاب می‌کند که انسان خود را به آن شکلی، به آن صورتی، به آن هیئت و خلقی نزدیک کند که در دوران مورد انتظار، آن خلق و آن شکل و آن هیئت متوقع است. این لازمه انتظار است. وقتی بناست در آن دوران منتظر عدل باشد، حق باشد، توحید باشد، اخلاص باشد، عبودیت خدا باشد. ... ما که منتظر هستیم، باید خودمان را به این امور نزدیک کنیم، خودمان را با عدل آشنا کنیم، آماده عدل کنیم، آماده پذیرش حق کنیم (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۸/تیر/۱۳۹۰).

۸. عدم یأس از آینده: آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند:

آن ملتی که به آینده امید دارد، می‌داند که روزگار ظلم و ستم و زورگویی و تجاوز و طغیان و استکبار، با همه حجم عظیمی که امروز در جهان به وجود آورده است، یک روزگار تمام‌شدنی است و دورانی خواهد رسید که قدرت قاهره حق، همه قلعه‌های فساد و ظلم را از بین خواهد برد و چشم‌انداز زندگی بشر را با نور عدالت منور خواهد کرد؛ معنای انتظار دوران امام زمان این است (بیانات مقام معظم رهبری، ۳۰/بهمن/۱۳۷۰). نسبت به آینده امیدوار بودن و مأیوس نبودن. همین روح انتظار است که به انسان تعلیم می‌دهد که در راه خیر و صلاح مبارزه کند. اگر انتظار و امید نباشد، مبارزه معنی ندارد؛ اگر اطمینان به آینده هم نباشد، انتظار معنا ندارد. انتظار واقعی ملازم است با اطمینان، با اعتماد (بیانات مقام معظم رهبری، ۲۲/اسفند/۱۳۶۸).

کارکردی بودن آموزه مهدویت از منظر آیت‌الله خامنه‌ای

از منظر جامعه‌شناسی، هر پدیده‌ای دارای کارکردی است که به حفظ عناصر اجتماعی و نیز کلیت نظام اجتماعی کمک می‌کند. از این منظر، پدیده‌ای را نمی‌توان یافت که دارای کارکرد نباشد. اساساً بی‌کارکردی، زمینه‌ساز محو پدیده‌های اجتماعی است. از منظر مقام معظم رهبری، آموزه مهدویت از جمله عناصر نظام اجتماعی است که در مناسبات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارای کارکرد بوده و به ایفای نقش می‌پردازد. ایشان، با تأکید بر این وجهه کارکردی بودن آموزه مهدویت می‌گویند:

در سندی که من دیدم، بزرگان استعمار و فرماندهان استعماری توصیه می‌کنند که ما باید کاری کنیم که عقیده به مهدویت، به تدریج از بین مردم زایل شود... استعماران خارجی، قضاوتشان این بود که تا وقتی عقیده به مهدویت در بین این مردم رایج است، ما نمی‌توانیم کشورهايشان را درست در اختیار گیریم! ببینید، عقیده به مهدویت چقدر مهم است! (بیانات مقام معظم رهبری، ۲۵/آذر/۱۳۷۶).

از نظر ایشان، وجه کارکردی این آموزه تا آنجاست که انتظار را از سنخ کنشگری فعال و نه انفعال واپس‌گرایانه دانسته

که در پی آن، کارکردهای فراوانی در همهٔ زمینه برای جامعه فراهم می‌آید. ایشان معتقدند: «انتظار یک عمل است، یک آماده‌سازی است، یک تقویت انگیزه در دل و درون است، یک نشاط و تحرک و پویایی است در همه زمینه‌ها» (بیانات مقام معظم رهبری، ۲۹/شهریور/۱۳۸۴). ایشان، نسبت به رویکرد روشنفکران که بدون فهم درست از آموزه مهدویت و نیز سازوکار کارکردی آن، به ایجاد شک و تردید می‌پردازند؛ نگاهی انتقادی داشته و معتقدند: «چقدر خطا می‌کنند کسانی که به اسم روشنفکری و به‌عنوان تجدّدطلبی می‌آیند و عقاید اسلامی را بدون مطالعه، بدون اطلاع و بدون اینکه بدانند چه کار می‌کنند، مورد تردید و تشکیک قرار می‌دهند! (بیانات مقام معظم رهبری، ۲۵/آذر/۱۳۷۶). مسئلهٔ انتظار که جزء لاینفک مسئله مهدویت است، از آن کلیدواژه‌های اصلی فهم دین و حرکت اساسی و عمومی و اجتماعی امت اسلامی به سمت اهداف والای اسلام است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۸/تیر/۱۳۹۰).

کارکردهای اجتماعی آموزه انتظار از منظر آیت‌الله خامنه‌ای

پیش از این گذشت که آموزهٔ «انتظار» از منظر مقام معظم رهبری، پدیده‌ای کارکردی است. با واکاوی اندیشه ایشان، می‌توان به شماری از این کارکردها دست یافت که در اینجا به تبیین آنها می‌پردازیم:

۱. ایجاد روحیه امیدواری به آینده‌ای روشن

از جمله کارکردهای مهم باور به آموزه انتظار، امیدواری به آینده‌ای روشن است. اساساً امید به آینده، از نیازهای انسان است؛ زیرا امید از بُعد فردی و اجتماعی از یک سو مایهٔ حرکت و پایهٔ پویایی و عامل پیشرفت و تحرک تاریخ است. از سوی دیگر، فقدان آن موجب افسردگی‌های فردی و اجتماعی است. با توجه به این حقیقت، پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند: «امید و آرزو، رحمت امت من است، اگر امید نبود هیچ مادری به بچهٔ خودش شیر نمی‌داد و هیچ کشاورزی نهال درختی را نمی‌کاشت» (مجلسی، ۱۳۶۴، ج ۷۴، ص ۱۷۳).

رابطهٔ بین امید و آموزه مهدویت و به‌خصوص محوری‌ترین مفهوم آن، یعنی انتظار رابطه‌ای تعاملی است؛ زیرا از یک سو، انتظار وقتی معنایی واقعی و کارآمد پیدا می‌کند که پشتوانه‌ای مانند امید داشته باشد. از این منظر، انتظار فرآورده امیدواری است. هر چه امید بیشتر باشد، انتظار نیز با معنادارتر خواهد بود. از سوی دیگر، انتظار امام زمان ضمن گسترش روحیه امید در جامعه منتظران و جلوگیری از یأس، ناامیدی و افسردگی، عاملی برای حرکت و پویایی جامعه اسلامی است؛ زیرا همهٔ تضادها و کشمکش‌ها که ناشی از محدودیت اندیشه بشر است، از جامعه رخت برمی‌بندد و در پرتو شکوفایی خرد، جای خود را به تعاملات صمیمانه می‌بخشد.

از منظر مقام معظم رهبری، رابطهٔ قلبی و معنوی بین آحاد مردم و امام زمان ﷺ، امری مستحسن، لازم و دارای آثاری است؛ زیرا امید و انتظار را به‌طور دایم در دل انسان زنده نگه می‌دارد (بیانات مقام معظم رهبری، ۲۲/اسفند/۱۳۶۸). ایشان بر این باورند:

بزرگ‌ترین خاصیت این اعتقاد در میان شیعیان، امیدآفرینی است. جامعه تشیع فقط به برجستگی‌های تاریخ خود در گذشته متکی نیست، چشم به آینده دارد. یک نفر معتقد به مسئله مهدویت طبق اعتقاد تشیع، در سخت‌ترین شرایط، دل [را] خالی از امید نمی‌داند و شعله امید همواره وجود دارد؛ می‌داند که این دوران تاریکی، این دوران ظلم، این دوران تسلط نابق و باطل قطعاً سپری خواهد شد. این یکی از مهم‌ترین آثار و دستاوردهای این اعتقاد است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۴/خرداد/۱۳۹۴). ... انتظار، یعنی دل سرشار از امید بودن نسبت به پایان راه زندگی بشر (بیانات مقام معظم رهبری، ۳۰/بهمن/۱۳۷۰). به معنای آن است که وجود ظلم و ستم در عالم، چشمه‌ی امید را از دل‌های منتظران نمی‌زداید و خاموش نمی‌کند. اگر این نقطه امید در زندگی جمعیتی نباشد، چاره‌ای ندارد جز اینکه به آینده بشریت بدبین باشد (همان).

ایشان با تشبیه ظهور به روز و دوره غیبت به شب تاریک، نمادهای مهدوی را امری کارکردی دانسته که امیدبخشی به آینده روشن از جمله کارکردها و آثار آن است:

انسان‌ها گاهی که امواج متراکم ظلمت و ظلم را مشاهده می‌کنند، مأیوس می‌شوند. یاد امام زمان نشان‌دهنده این است که خورشید طلوع خواهد کرد، روز خواهد آمد. بله، ظلمات هست، ظالمان و تاریکی‌آفرینان هستند در دنیا، و قرن‌های متمادی بوده‌اند، اما پایان این شب سیاه و ظلمانی، قطعاً طلوع خورشید است. این آن چیزی است که اعتقاد به امام زمان به ما می‌آموزد... معتقدین به ظهور ولی عصر و وجود ولی عصر ع هیچ‌گاه دچار ناامیدی و یأس نمی‌شوند، و می‌دانند که قطعاً این خورشید طلوع خواهد کرد و این تاریکی‌ها و این سیاهی‌ها را برطرف خواهد کرد (بیانات مقام معظم رهبری، ۲۰/اردیبهشت/۱۳۹۶).

از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، امیدآفرینی انتظار فرج صرفاً محدود به سطوح فردی نبوده، بلکه کارکردی اجتماعی است که می‌تواند با ایجاد امید اجتماعی، مسیر جامعه اسلامی را هدایت کرده و راهبری کند. از منظر ایشان، روحیه انتظار و روحیه ارتباط با ولی عصر ع و منتظر ظهور بودن و منتظر آن روز بودن، یکی از بزرگ‌ترین دریچه‌های فرج برای جامعه اسلامی است. منتظر فرج هستیم؛ خود این انتظار، فرج است. خود این انتظار، دریچه فرج است. امیدبخش است. نیروبخش است. از احساس بیهودگی، از احساس ضایع شدن، از نومیدی، از گیج و گمی نسبت به آینده جلوگیری می‌کند. امید می‌دهد. خط می‌دهد (بیانات مقام معظم رهبری، ۲۱/خرداد/۱۳۹۳).

از نظر مقام معظم رهبری، کارکرد امیدبخشی آموزه مهدویت، در تقابل با تزریق روح یأس و نومیدی است که دشمنان برای آن تلاش می‌کنند. از منظر ایشان،

امروز استکبار جهانی مایل است که ملت‌های مسلمان و از جمله ملت عزیز ایران، دچار روح ناامیدی شوند و بگویند: دیگر نمی‌شود کاری کرد؛ دیگر فایده‌ای ندارد! می‌خواهند این را به زور در مردم تزریق کنند... مردم را از اقتصاد و از فرهنگ مأیوس کنند. متدینین را از گسترش دین مأیوس کنند. آزادی‌طلبان و علاقه‌مندان به مسائل فرهنگی و سیاسی را از امکان کار سیاسی، یا کار فرهنگی مأیوس کنند و آینده را در نظر افرادی که چشم به آینده دوخته‌اند، تیره و تار جلوه دهند! برای چه؟

برای اینکه جوشش و امید را از این مجموعه انسانی که با امید کار می‌کند، بگیرند و آن را به یک موجود مرده، یا شبیه مرده تبدیل کنند، تا بتوانند هر کاری که مایلند انجام دهند! با یک ملت زنده که نمی‌تواند هر کاری بخواهند، انجام دهند... آن وقت اعتقاد به مهدویت و به وجود مقدس مهدی موعود علیه السلام، امید را در دل‌ها زنده می‌کند. هیچ‌وقت انسانی که معتقد به این اصل است، ناامید نمی‌شود. چرا؟ چون می‌داند یک پایان روشن حتمی وجود دارد؛ برو برگرد ندارد. سعی می‌کند که خودش را به آن برساند (بیانات مقام معظم رهبری، ۲۵/آذر/۱۳۷۶).

آیت‌الله خامنه‌ای بر این باورند که تلاش دشمنان این است که ملت‌ها از اصلاح اجتماعی مأیوس شوند و با تحقیر فرهنگ و هویت ملی آنان، خود را به‌عنوان منجی بشریت بر جامعه اسلامی تحمیل کنند. ایشان در این خصوص می‌فرمایند: ملت‌ها باید از صلاح مأیوس بشوند، تا حربه استکبار کارگر بیفتد؛ والا اگر ملت‌ها امیدوار باشند و امیدوار بمانند، حربه استکبار چندان کارگر نیست. سعی می‌کنند فضای تیره‌ای را در مقابل چشم‌ها ترسیم کنند؛ فضای تیره به این معنا که به ملت‌ها تفهیم کنند که نیروی ذاتی شما، فرهنگ شما، اعتقادات شما، شخصیت و هویت ملی شما، نمی‌تواند برای شما کاری انجام بدهد؛ باید قدرت‌های بزرگ به شما کمک کنند تا بتوانید حرکت کنید. درست صد و هشتاد درجه مقابل این فکر، فکر انتظاری است که بر محیط ما و بر محیط‌های اطرافیان مذهب اهل بیت علیهم السلام حاکم است (بیانات مقام معظم رهبری، ۳۰/بهمن/۱۳۷۰).

۲. کارکرد امکان‌پذیری و ضرورت مبارزه با ظلم

از منظر اسلام، نه تنها ظلم به دیگران که ظلم‌پذیری نیز امری قبیح و مذموم است. اسلام، مکتبی ظلم‌ستیز است که هم با ظلم مبارزه می‌کند و هم با ظلم‌پذیری. از این رو، محوری‌ترین شعار انقلاب بزرگ مهدوی، مبارزه با ظالمان و گسترش عدالت در عرصه‌های گوناگون زندگی اجتماعی است. با این حال، گاه در جبهه حق این اندیشه حتی در بین نخبگان سیاسی و اجتماعی وجود دارد که در افتادن با ستمگران و به‌ویژه با نظام بین‌الملل سلطه‌طلب امری نشدنی است. از این رو، فضایی از ناامیدی در عرصه تقابل با ظلم در بین ملت‌ها ایجاد می‌شود که نتیجه آن، ظلم‌پذیری و سکوت در مقابل ستمگری نظام سلطه و گاه همراهی با آنها در جهت در امان ماندن از شرارت آنهاست. یکی از کارکردهای مهم آموزه مهدویت از منظر مقام معظم رهبری، امکان مبارزه با نظام سلطه به‌خصوص نظام سلطه جهانی است. ایشان معتقدند:

اولین درس عملی از این موضوع این است که نابود کردن بنای ظلم در سطح جهان، نه فقط ممکن است، بلکه حتمی است. این، مطلب بسیار مهمی است که نسل‌های بشری امروز معتقد نباشند که در مقابل ظلم جهانی، نمی‌شود کاری کرد. امروز وقتی ما با نخبگان سیاسی دنیا از ظلم‌های مراکز قدرت بین‌المللی و سیستم جهانی ظلم - که امروز به سرکردگی استکبار در همه دنیا وجود دارد - صحبت می‌کنیم، می‌بینیم آنها می‌گویند بله؛ چیزی که شما می‌گویید، درست است. واقعاً ظلم می‌کنند. اما کاری نمی‌شود کرد؛ یعنی مجموعه بزرگی از نخبگان که سررشته کار در دنیا در دست آنهاست، اسیر یأس و ناامیدی هستند (بیانات مقام معظم رهبری، ۳۰/مهر/۱۳۸۱).

از نظر ایشان، امکان‌ناپذیری با نظام سلطه در نگاه نخبگان اجتماعی هرگز در دایره آنها محدود نمانده، بلکه «این یأس و ناامیدی را به ملت‌های خود سرریز می‌کنند و آنها را از اینکه بتوان نقشه ظالمانه و شیطانی امروز دنیا را عوض کرد، مأیوس می‌کنند» (همان). نتیجه این می‌شود:

انسان‌های مأیوس نمی‌توانند هیچ حرکتی در راه اصلاح انجام دهند (همان). ... در این میان کارکرد امکان‌پذیری تقابل با ظلم که در اعتقاد به آموزه مهدویت وجود دارد؛ نقش مهمی ایفا می‌کند. می‌شود نقشه سیاسی دنیا را عوض کرد؛ می‌شود با ظلم و مراکز قدرت ظالمانه درگیر شد و در آینده نه فقط این معنا امکان‌پذیر است، بلکه حتمی است. وقتی ملتی معتقد است نقشه ظالمانه و شیطانی امروز در کل عالم قابل تغییر است، آن ملت شجاعت می‌یابد و احساس می‌کند دست تقدیر، تسلط ستمگران را برای همیشه به‌طور مسلم ننهفته است (همان). ... فکر اعتقاد به مهدی، نقطه مقابل این تبلیغات غلط و ظالمانه است. جوانان و روشنفکران و عموم ملت ما با اعتقاد به ظهور حضرت مهدی عج این اعتقاد را سخ را در دل خود پرورش می‌دهند که نظم ظالمانه جهانی، قابل زوال است و ابدی نیست. می‌شود با آن مبارزه و در مقابل آن ایستادگی کرد (همان).

از نظر ایشان آنچه جامعه اسلامی را به جامعه مهدوی نزدیک می‌کند جریان یافتن کارکرد مبارزه با ظلم است. ایشان بر این باورند:

ما باید با ظلم نساویم و باید علیه ظلم، حرکت قاطع بکنیم. هرگونه ظلمی و از هر کسی. ما باید جهت‌خودمان را، جهت اقامه حدود اسلامی قرار بدهیم... این جهتی است که انتظار ولی عصر عج به ما و به حرکت ما می‌دهد. امام زمان عج - در دعای «ندبه» می‌خوانید که - در مقابل فسوق، عدوان، طغیان، نفاق مقابله می‌کند و نفاق و طغیان و عصیان و شقاق و دو دستی را ریشه‌کن می‌کند و ازاله می‌کند. ما هم باید در جامعه‌مان، امروز در آن جهت حرکت کنیم و پیش برویم. این است آن چیزی که ما را به امام زمان عج از لحاظ معنوی نزدیک خواهد کرد و جامعه ما را به جامعه ولی عصر عج آن جامعه مهدوی علوی توحیدی، نزدیک‌تر و نزدیک‌تر خواهد کرد» (خطبه نماز جمعه، ۶/ تیر/ ۱۳۵۹).

بعد دیگر مبارزه با ظلم، تقویت روحیه ایستادگی و مقاومت و تسلیم‌ناپذیری در برابر نظام سلطه است. یکی از شاخصه‌های فرهنگ‌ها و جوامع پویا، وجود روحیه تسلیم‌ناپذیری در مقابل سختی‌ها و ناگواری‌هاست. این روحیه، ممکن است از راه‌های گوناگونی به وجود آمده باشد. گاه، ممکن است منتسب به منش ملی فرهنگ‌ها باشد. گاه ترکیبی از ارزش‌های دینی و یا هر چیز دیگر. اما آنچه اهمیت دارد، این است که ملتی که در مقابل شرایط دشوار تسلیم‌ناپذیر است، در مسیر پیشرفت و پیروزی است. به عبارت دیگر، برای این ملت بن‌بست معنا ندارد؛ زیرا در هنگام مواجهه با مسائل و بن‌بست‌های ظاهری، مسیر را برای خود باز می‌سازند. در این میان، فرهنگ‌هایی که درون‌مایه نظام ارزشی آنان، نمادها و اسطوره‌های آنان تسلیم‌ناپذیری است، نسبت به دیگران، از زمینه‌های پیشرفت بهره‌مندتر هستند.

از منظر مقام معظم رهبری، یکی از کارکردهای مهم آموزه مهدویت، ایجاد روحیه تسلیم‌ناپذیری هم در سطح کنشگران جامعه و هم در سطح نظام اجتماعی است. ایشان معتقدند:

ملتی که به خدا معتقد و مؤمن و متکی است و به آینده امیدوار است و با پرده‌نشینان غیب در ارتباط است. ملتی که در دلش خورشید امید به آینده و زندگی و لطف و مدد الهی می‌درخشد، هرگز تسلیم و مرعوب نمی‌شود و از میدان خارج نمی‌گردد. این، خصوصیت اعتقاد به آن معنویت حضرت مهدی علیه السلام است. عقیده به امام زمان، هم در باطن فرد، هم در حرکت اجتماع و هم در حال و آینده، چنین تأثیر عظیمی دارد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۷/دی/۱۳۷۴).

ایشان در تحلیل این کارکرد با تأکید بر نیروی قدرت‌آفرین آموزه مهدویت بر این باورند که «ملتی که معتقد به مهدویت است، هیچ‌گاه احساس ضعف نمی‌کند و با قدرت و تحمل سختی‌ها و فشارها به مسیر پیشرفت و عزت خود ادامه می‌دهد و در مقابل زورگویان سر تسلیم فرود نمی‌آورد» (بیانات مقام معظم رهبری، ۲۹/شهریور/۱۳۸۴).

۳. کارکرد ایجاد آمادگی و زمینه‌سازی

دگرگونی، از شاخصه‌های همه پدیده‌های هستی است. پدیده‌های طبیعی و همه عناصر اجتماعی، در حال شدن و دگرگونی هستند. در این میان، ویژگی دگرگونی‌های اجتماعی، وجود نوعی آمادگی و زمینه‌سازی است. عرصه نظم انسانی، عرصه‌گزینش‌های عقلانی و دخالت نیروی اراده و اختیار است. هر جامعه‌ای که بخواهد تغییر کند، نیازمند ایجاد بسترها، زمینه‌ها و گزینش‌هاست. یکی از کارکردهای مهم مهدویت، ایجاد آمادگی برای دگرگونی اجتماعی است. مقام معظم رهبری از طریق تبیین آموزه انتظار بر این کارکرد مهدویت تأکید دارند. از نظر ایشان، مسئله انتظار از کلیدواژه‌های اصلی فهم دین و حرکت اساسی و عمومی و اجتماعی امت اسلامی، به سمت اهداف والای اسلام است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۸/تیر/۱۳۹۰). ایشان، با تعریف انتظار به آمادگی برای وقوع حقیقتی قطعی (همان) بر این باورند:

این انتظار، تکلیف بر دوش انسان می‌گذارد. وقتی انسان یقین دارد که یک چنین آینده‌ای هست... مردمانی که اهل عبودیت خدا هستند، می‌فهمند - باید خود را آماده کنند، باید منتظر و مترصد باشند. انتظار لازمه‌اش آماده‌سازی خود هست. بدانیم که یک حادثه بزرگ واقع خواهد شد و همیشه منتظر باشید. هیچ وقت نمی‌شود گفت که حالا سال‌ها یا مدت‌ها مانده است که این اتفاق بیفتد، هیچ وقت هم نمی‌شود گفت که این حادثه نزدیک است و در همین نزدیکی اتفاق خواهد افتاد. همیشه باید مترصد بود، همیشه باید منتظر بود (همان).

ایشان بر این باورند که کارکرد آمادگی، افراد و جامعه منتظر را وادار می‌کند تا خود و جامعه و وضعیت موجود خود را به‌گونه‌ای دگرگون سازد که در وضعیت مطلوب، مورد انتظار است. روشن است که این دگرگونی، ایجاد نوعی آمادگی و

تمرین برای حضور در جامعه مهدوی در عصر ظهور است. مقام معظم رهبری، در این خصوص می‌فرمایند:

انتظار ایجاب می‌کند که انسان خود را به آن شکلی، به آن صورتی، به آن هیئت و خلقی نزدیک کند که در دوران مورد انتظار، آن خلق و آن شکل و آن هیئت متوقع است. این لازمه انتظار است. وقتی بناست در آن دوران منتظر عدل باشد، حق باشد، توحید باشد، اخلاص باشد، عبودیت خدا باشد - یک چنین دورانی قرار است باشد - ما که منتظر هستیم، باید خودمان را به این امور نزدیک کنیم، خودمان را با عدل آشنا کنیم، آماده عدل کنیم، آماده پذیرش حق کنیم. انتظار یک چنین حالتی را به وجود می‌آورد» (همان).

براین اساس، از یک سو، جامعه در پرتو این کارکرد، به سوی خودسازی و جامعه‌سازی حرکت کرده و نوعی استقبال عملی از جامعه پساظهور را به ظهور می‌رساند. از سوی دیگر، این آمادگی از این جهت که از شرایط ظهور است، در پیش انداختن زمان ظهور اثرگذار است. از نظر آیت‌الله خامنه‌ای:

نفس انتظار و امید، به انسان جرأت اقدام و حرکت و نیرو می‌بخشد و شیعیان و پیروان آن حضرت باید کسب آمادگی معنوی، روحی و ایمانی را جزو وظایف خود بدانند و سرمایه عظیم امید، ایمان و نورانیت را در خود ایجاد کنند تا در حرکت جهانی امام زمان ع در ردیف نزدیکان، خواص، یاران و همکاران آن حضرت قرار گیرند (بیانات مقام معظم رهبری، ۸/بهمن/۱۳۷۲).

از نظر ایشان، حقیقت انتظار ایجاد آمادگی برای سربازی منجی است و قرار گرفتن در شمار سربازان امام ع نیازمند خودسازی و آگاهی است. ایشان در این خصوص می‌فرمایند:

انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان آماده کنیم... سربازی منجی بزرگی که می‌خواهد با تمام مراکز قدرت و فساد بین‌المللی مبارزه کند، احتیاج به خودسازی و آگاهی و روشن بینی دارد... ما نباید فکر کنیم که چون امام زمان خواهد آمد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد، امروز وظیفه‌ای نداریم؛ نه، به عکس، ما امروز وظیفه داریم در آن جهت حرکت کنیم تا برای ظهور آن بزرگوار آماده شویم. اعتقاد به امام زمان به معنای گوشه‌گیری نیست... امروز اگر ما می‌بینیم در هر نقطه دنیا ظلم و بی‌عدالتی و تبعیض و زورگویی وجود دارد، اینها همان چیزهایی است که امام زمان برای مبارزه با آنها می‌آید. اگر ما سرباز امام زمانیم، باید خود را برای مبارزه با اینها آماده کنیم (بیانات مقام معظم رهبری، ۳۰/مهر/۱۳۸۱).

۴. کارکرد عدم رضایت از وضع موجود

جوامع و فرهنگ‌های پیشرو، همواره بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب خود، شکافی می‌بینند که باید از طریق ایجاد اصلاحات ارزشمدارانه، پر شده و زندگی اجتماعی را از وضعیت ناپسند موجود به وضعیت پسندیده مطلوب، دگرگون سازند. در تاریخ، همواره رویکرد پیامبران و مصلحان بزرگ بشر، این گونه بوده است. یکی از کارکردهای اجتماعی آموزه مهدویت، همین است. درون مایه این آموزه، عصیانگری در برابر نظم غیرعادلانه‌ای است که بر جوامع حاکم است. از این رو، این آموزه با توصیف دوران طلایی بشر در آینده تاریخ، او را نسبت به مناسبات ظالمانه موجود حساس کرده و زمینه حرکت و تلاش برای رسیدن به وضعیت مطلوب را در او به وجود می‌آورد. مقام معظم رهبری با اشاره به این کارکرد معتقدند:

یکی از خصوصیات که در حقیقت انتظار گنجانده شده است، این است که انسان به وضع موجود، به اندازه پیشرفتی که امروز دارد، قانع نباشد؛ بخواید روزبه‌روز این پیشرفت را، این تحقق حقایق و خصال معنوی و الهی را در خود، در جامعه بیشتر کند. اینها لوازم انتظار است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۸/تیر/۱۳۹۰).

از نظر ایشان، معنای انتظار فرج این است که مؤمن به اسلام، مؤمن به مذهب اهل بیت ع وضعیتی را که در دنیای

واقعی وجود دارد، عقده و گره در زندگی بشر شناخته و منتظر است که این فروبستگی کار بشر، این گرفتاری عمومی انسانیت گشایش پیدا بکند (بیانات مقام معظم رهبری، ۲۷/مرداد/۱۳۸۷). ایشان معتقدند: کارکرد عدم رضایت به وضعیت موجود، صرفاً در سطح فردی و یا سطح ملی و یا محلی قابل طرح نبوده، بلکه مطالبه‌ای جهانی است. همه بشریت از وضعیت موجود خویش ناراضی است و خواستار وضعیتی مطلوب است. از نظر ایشان، «انتظار فرج یعنی قبول نکردن و رد کردن آن وضعیتی که بر اثر جهالت انسان‌ها، بر اثر اغراض بشر بر زندگی انسانیت حاکم شده است. این معنی انتظار فرج است» (همان). از این رو، ظهور امام زمان گره‌گشایی از وضعیت نامطلوب همه بشریت و نجات تاریخ بشریت است. ایشان در این خصوص می‌گویند: «مسئله، مسئله گره در کار شخص من و شخص شما نیست. امام زمان عجله برای اینکه فرج برای همه بشریت به وجود بیاورد، ظهور می‌کند که انسان را از فروبستگی نجات بدهد؛ جامعه بشریت را نجات بدهد؛ بلکه تاریخ آینده بشر را نجات بدهد» (همان).

۵. کارکرد عاملیت پیشرفت

امروزه پیشرفت، نقطه آرمانی بسیاری از جوامع و فرهنگ‌هاست. از این رو، ضرورت دستیابی به پیشرفت و توسعه پایدار آنان را به برنامه‌ریزی‌هایی در افق‌ها و چشم‌اندازهای خرد و کلان، وادار می‌کند. نوسازی با محوریت مفهوم پیشرفت و اشاعه سبک زندگی متناسب با آن، دگرگونی‌های بسیاری را در ساخت‌های مختلف زندگی اجتماعی ایجاد کرده است (چراغی کوتیانی، ۱۳۹۷، ص ۲۵۷). جامعه ایران نیز از این امر مستثنا نبوده است. اما توسعه مفهومی غربی با مختصات معنایی ویژه‌ای است که با اندیشه اسلامی انطباق ندارد. به تعبیر رستو، نوسازی مستلزم عرفی شدن است؛ به این معنا که بروز دگرگونی در مذهب و جایگزینی خرد به جای مناسک و امور دینی، لازمه و مقدمه توسعه است (لاور، ۱۳۷۳، ص ۲۳۲). این به معنای نادیده گرفتن نقش امور متافیزیک (چون خداگرایی) در جریان توسعه، نقش ناپذیری سنت‌ها و قوانین الهی در شکل‌گیری، جهت‌دهی و تأثیر روند توسعه در جامعه بشری و جدا کردن آن از عالم معنا، تولید ارزش انسانی و اجتماعی بدون توجه به منبع الهی آنها و... خواهد بود. از این رو، باید از مفهومی متناسب با رویکرد دینی و فرهنگ ملی در این خصوص استفاده کرد؛ زیرا توسعه در الگوی غربی مبتنی بر رشد اقتصادی و مزیت‌های دنیوی بوده، درحالی‌که اندیشه دینی رشد بشر را در ساخت‌های دینی، اخلاقی، دنیوی و اخروی، طلب می‌کند. در نتیجه، مناسب‌ترین مفهوم برای نقطه آغاز الگوبرداری، مفهوم پیشرفت است. پیشرفت را فرایند حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب، تبیین وضعیت مطلوب، راهبرد حرکت از وضعیت موجود به مطلوب، تعریف می‌کنند. با توجه به این تعریف، الگوهای پیشرفت دست‌کم در یکی از این سه با یکدیگر اختلاف دارند و یکی از دلایل اصلی اختلاف نیز جهان‌بینی حاکم بر این الگوها است (میرمعزی، ۱۳۹۰، ص ۶۰-۶۱). مقام معظم رهبری در خصوص اسلامی بودن الگوی پیشرفت با تأکید بر این مسئله معتقدند: «این الگو مبتنی بر مبانی نظری و فلسفی اسلام و مبانی انسان‌شناختی اسلام استوار است. به عبارت دیگر، غایات، اهداف، ارزش‌ها و شیوه‌های کار همه از اسلام مایه خواهد گرفت؛ یعنی

تکیه ما به مفاهیم اسلامی و معارف اسلامی است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۰/آذر/۱۳۸۹). ایشان، یکی از آموزه‌های مهم اسلامی تأثیرگذار بر فرایند پیشرفت را آشنایی و ارتباط مستمر با امام زمان دانسته و بدین‌گونه بر عاملیت این آموزه بر مقوله پیشرفت تأکید می‌کنند. از نظر ایشان، «هرچه دل‌ها با مقوله مهدویت آشنا شود و انس پیدا کند و حضور آن بزرگوار برای ما مردمی که در دوران غیبت هستیم، محسوس‌تر شود و بیشتر حس کنیم و رابطه بیشتر داشته باشیم، این برای دنیای ما و برای پیشرفت ما به سمت آن اهداف بهتر خواهد بود» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۸/تیر/۱۳۹۰). بی‌شک منظور ایشان از تصویر رابطه بین آشنایی و انس با مهدویت و پیشرفت، آشنایی و انس معطوف به عمل است؛ بدین‌معنا که مسیر حرکت جامعه، در راستای آرمان‌ها و شعارها و اهداف آموزه مهدویت و انتظار قرار می‌گیرد. انس و آشنایی با این آموزه، همت جامعه دینی را بالا برده و انگیزه او را برای نشانه گرفتن اهداف بزرگ افزایش می‌دهد. از منظر رهبر انقلاب، «در هدف‌گیری و نشانه گرفتن برای دورخیزهای تاریخی، باز مسئله مهدویت نقش دارد؛ ملتی که به چنین چیزی اعتقاد دارد، ببیند که برای چه اهدافی دورخیز می‌کند و چطور همتش بالا می‌رود» (بیانات مقام معظم رهبری، ۷/دی/۱۳۸۰). در حقیقت، کارکرد آموزه انتظار این است که با ترسیم مسیر پیشرفت، جامعه منتظر را ترغیب می‌کند تا آینده خویش را بر اساس همان الگویی سامان دهد که به انتظارش ایستاده است. آیت‌الله خامنه‌ای در این خصوص معتقدند: «ما که منتظر امام زمان هستیم، باید در چستی که حکومت امام زمان عجله تشکیل خواهد شد، زندگی امروز در را همان جهت بسازیم بنا و کنیم» (بیانات مقام معظم رهبری، ۲۳/اسفند/۱۳۶۸). با توجه به این سخن روشن است که از منظر ایشان لازمه انتظار حرکت پیشروانه آن هم در مسیر الگوی پیشرفت جامعه مهدوی است.

۷. کارکرد نظارت‌پذیری

یکی از فرایندهای مهم اجتماعی که در کنار جامعه‌پذیری به ایجاد نظم اجتماعی کمک می‌کند، نظارت است. نظارت اجتماعی به ابزارها و روش‌هایی اطلاق می‌شود که برای وادار کردن فرد به انطباق با انتظارات گروه معین یا کل جامعه به کار می‌رود (کوئن، ۱۳۷۵، ص ۱۹۷). در واقع، نظارت اجتماعی مشروط و محدود شدن رفتار و اعمال فرد به اهداف و هنجارهای جامعه می‌باشد (گولد و کولب، ۱۳۷۶، ص ۷۰۵). یکی از آثار مهم نظارت اجتماعی، دستیابی به نوعی نظارت‌پذیری و خودنظارتی است که یکی از ملاک‌های سلامت روان شمرده می‌شود. خودنظارتی، یک ویژگی شخصیتی است که به توانایی نظارت در رفتار و فرایند تغییر دادن فکر یا رفتاری است که برای خود و دیگران مفید نیست (زارع و رجب‌زاده، ۱۳۹۵، ص ۴۲). خودنظارتی، یکی از راهبردهای خودکنترلی است. خودکنترلی، به‌معنای توانایی پیروی از درخواست معقول، تعدیل رفتار مطابق با موقعیت و به تأخیر انداختن ارضای یک خواسته در چارچوب قابل قبول اجتماعی، بدون مداخله مستقیم فردی دیگر است. اساس خودکنترلی، توانایی فرد در کنترل ارادی فرایندهای درونی و بدون داده‌های رفتاری است (قدیری، ۱۳۸۹، ص ۸۰). نظارت

موجب تسهیل رشد اخلاق می‌شود. باورها و اعمال مذهبی مانند نماز و دعا، می‌توانند زمینه نظارت در افراد شده و با ایجاد انگیزه، امید و آرامش، به حفظ رفتارهای خوب در فرد کمک کنند؛ زیرا مسلمان خود را در مقابل خدا مسئول می‌داند. توجه به نظارت خداوند بر رفتار، مسلمان را خودکنترل می‌سازد. هرچه میزان ایمان به خدا قوی باشد، میزان پایبندی به ارزش‌ها نیز بیشتر و در نتیجه، نظارت‌پذیری نیز شدیدتر می‌شود. از سوی دیگر، در نظام اعتقادی اسلام، هستی به این جهان محدود نمی‌شود که با مرگ پایان پذیرد، بلکه زندگی دنیا، مقدمه‌ای بر حیات ابدی است و چگونگی زندگی در آن جهان، بستگی به چگونگی زندگی او در این جهان دارد. از این رو، با توجه به اینکه معادباوری با تقویت باورهای، اسلامی موجب کمال‌جویی می‌شود، می‌تواند عامل مؤثر بر نظارت‌پذیری باشد. عبادات نیز در تقویت نظارت‌پذیری تأثیرگذارند؛ هر عبادتی در تنظیم رفتار انسان اثر تربیتی ویژه‌ای دارد. مثلاً، نماز عامل بازدارنده از فحشا و منکر است: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (عنکبوت: ۴۵). اما آنچه در اینجا مناسب با بحث این نوشتار است، تأثیر نظارت اولیا الهی در کل‌گیری روحیه نظارت‌پذیری است. از آموزه‌های اسلامی به دست می‌آید که پیامبران و امامان معصوم علیهم‌السلام، شاهد و ناظر بر اعمال پیروان خود هستند. در تفسیر آیه «وَقُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالَمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (توبه: ۱۰۵)؛ امامان معصوم علیهم‌السلام مصداق «المؤمنون» معرفی شده‌اند که هر شبانه‌روز اعمال بندگان بر آنها عرضه می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۱۹). همچنان‌که حضرت مهدی علیه‌السلام می‌فرماید: «ما بر اخبار و احوال شما آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده و مخفی نمی‌ماند» (مجلسی، ۱۳۶۴، ج ۵۳، ص ۱۷۵). مسلمان، بنا به آموزه‌های دینی، همواره حضرت مهدی علیه‌السلام را ناظر کردارها دانسته و در برابر گناه از خود مراقبت می‌کند و طریق درستکاری پیش می‌گیرند. این اندیشه موجب می‌شود که معتقدان در مراقبت دائمی فرو روند و هنگام ورود در هر کاری توجه به آن نظارت عالی داشته باشند.

مقام معظم رهبری، با اشاره به نظارت امام زمان علیه‌السلام بر رفتار انسان‌ها، بر گستره وسیع جریان این کارکرده در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی تأکید می‌کنند. ایشان در این خصوص خطاب به کنشگران اجتماعی می‌گویند: امام زمان ناظر است و می‌بیند. انتخابات شما را امام زمان دید؛ اعتکاف شما را امام زمان دید؛ تلاش شما جوان‌ها را برای آذین‌بندی نیمه شعبان، امام زمان دید؛ حضور شما زن و مرد را در میدان‌های گوناگون، امام زمان دیده است و می‌بیند؛ حرکت دولت‌مردان ما را در میدان‌های مختلف، امام زمان می‌بیند و امام زمان از هر آنچه که نشانه مسلمانان و نشانه عزم راسخ ایمانی در آن هست و از ما سر می‌زند، خرسند می‌شود. اگر خدای نکرده عکس این عمل بکنیم، امام زمان را ناخرسند می‌کنیم. ببینید، چه عامل بزرگی است (بیانات مقام معظم رهبری، ۲۹/شهریور/۱۳۸۴).

روشن است که باور به نقش نظارتی امام زمان علیه‌السلام، نقش مهمی در گسترش روحیه نظارت‌پذیری در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خواهد داشت. رواج این نگاه، به نظم‌بخشی رفتار کنشگران اجتماعی در این

عرصه‌ها، یاری می‌رساند. اهمیت این کارکرد، آن‌گاه روشن می‌شود که بدانیم حکومت جهانی حضرت مهدی عج پیش از هر چیز، نیازمند به عناصر آماده و انسانی است که بتوانند بار سنگین اصلاحات وسیعی را در جهان بدوش بکشند.

نتیجه‌گیری

آموزه انتظار، چشمه جوشانی است که هر فردی به اندازه ظرفیت وجودی خود، از آن بهره‌مند می‌شود. تأمل دقیق در این آموزه و بررسی و واکاوی زوایای گوناگون آن می‌تواند جامعه ما را در حل مسائل خود، در عرصه‌های گوناگون یاری رساند. یافته‌های تحقیق حاکی از این است که از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، آموزه انتظار پدیده‌ای کارکردی است که از جنبه‌های فردی و در عرصه‌های اجتماعی، توانایی حل تعارضات و مسائل را داشته و از طریق پویایی درونی که در جوهره این آموزه وجود دارد، پایایی و پویایی و پیشرفت جامعه اسلامی قابل پیگیری است. این آموزه هم امیدبخش است و هم حرکت‌آفرین. هم دگرگون‌ساز است و هم تقویت‌کننده اعتماد به نفس ملی. هم بر وضعیت ناپسند موجود عصیان می‌کند و هم طالب وضعیت پسندیده مطلوب و آرمانی است که دست یافتنی است. اما آنچه از نظر ایشان، اهمیت توجه به سویه کارکردی این آموزه و جریان دادن آن در عرصه‌های گوناگون زندگی اجتماعی است. هر میزان که جامعه اسلامی از این کارکردها استقبال کند و آنها را به درستی به کار گیرد، به همان میزان بهره بیشتری از پیشرفت و تعالی خواهد داشت. اما باید گفت: محدود کردن چشم‌انداز آموزه انتظار و بهره‌گیری از آن در عرصه‌های شخصی، اعتقادی صرف و گاه منسک‌گرایی سرگرم‌کننده و غیرمحرک، آفت بزرگ جامعه اسلامی در بهره‌گیری از آموزه حرکت‌آفرین و دگرگون‌ساز انتظار است. اگر اقتصاد و بازار، سیاست و حزب، فرهنگ و سبک زندگی جامعه ما رنگ انتظار بگیرد، آن روز به واقعیت کارکردی آموزه انتظار نزدیک‌تر شده و از آثار تعالی‌بخش آن بهره‌مند خواهد شد. اما پرسش این است که چه نهادهایی باید عهده‌دار اشاعه این رویکرد تأثیرگذار باشند؟ به نظر می‌رسد، همه نهادهای جامعه از سیاست گرفته تا فرهنگ در این خصوص تکلیف دارند. از سویی، حاکمیت اسلامی باید با سیاست‌گذاری‌های مناسب و با روش‌های گوناگون، به دامن‌گستر شدن این اندیشه در عرصه‌های عمومی و نخبگانی یاری رساند. از سوی دیگر، نهادهای دینی و کشگران سپهر تبلیغ دین در جامعه‌پذیر کردن کشگران اجتماعی در این خصوص، باید فعالانه به ایفای نقش بپردازند.

منابع

- اسکیدمور، ویلیام، ۱۳۸۵، *تفکر نظری در جامعه‌شناسی*، جمعی از مترجمان، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- بیانات مقام معظم رهبری در خطبهٔ نماز جمعه، ۵۹/۴/۶.
- بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، ۱۳۹۶/۰۲/۲۰.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اساتید و فارغ‌التحصیلان تخصصی مهدویت، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای مجمع عمومی کنفرانس جهانی اهل‌بیت (ع)، ۱۳۷۲/۱۱/۸.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمهٔ شعبان در مصالای تهران، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمهٔ شعبان، ۱۳۸۷/۰۵/۲۷.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمهٔ شعبان، ۱۳۸۴/۰۶/۲۹.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۶/۹/۲۵.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مردم با رهبر انقلاب، ۱۳۷۵/۱۰/۵.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۳۸۹/۹/۱۰.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، ۱۳۸۰/۱۰/۷.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار پژوهشگران و کارکنان مؤسسه «دارالحدیث» و پژوهشگاه «قرآن و حدیث»، ۱۳۹۳/۰۳/۲۱.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار روز میلاد حضرت ولی عصر (عج)، ۱۳۷۲/۱۰/۱۷.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم قم، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان و اقشار مختلف مردم، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.
- بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیست و ششمین سالگرد رحلت امام خمینی (ع)، ۱۳۹۴/۳/۱۴.
- توسلی، غلام‌عباس، ۱۳۷۶، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران، سمت.
- چراغی کوتیانی، اسماعیل، ۱۳۹۷، *بحران خاموش «واکوی جامعه‌شناختی علل فرهنگی اجتماعی کاهش باروری در ایران»*، قم، مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- زارع، حسین و سمیه رجب‌زاده، ۱۳۹۵، «پیش‌بینی رابطهٔ میان خودنظارتی و کنترل تفکر»، *افق توسعه آموزش پزشکی*، دورهٔ هفتم، ش ۱، ص ۳۱-۳۷.
- سلیمیان، خدامراد، ۱۳۸۸، *فرهنگ‌نامه مهدوی*، تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج).
- صدر، سیدرضا، ۱۳۷۸، *راه مهدی (عج)*، به اهتمام باقر خسروشاهی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- قدیری، محمدحسین، ۱۳۸۹، «خودکنترلی کودک: خمیرمایه خوب‌بختن‌داری اخلاقی»، *مطالعات فقه تربیتی (راه تربیت)*، ش ۱۱، ص ۸۷-۱۱۶.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- کوئن، بروس، ۱۳۷۵، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمهٔ توسلی و فاضل، تهران، سمت.
- گولد، جولوس و ویلیام کولب، ۱۳۷۶، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمهٔ زاهدی و همکاران، تهران، مازیار.
- گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۷، *جامعه‌شناسی*، ترجمهٔ منوچهر صبوری، چ بیست و دوم، تهران، نشر نی.
- لاور، رابرت. اچ، ۱۳۳۳، *دیدگاه‌هایی دربارهٔ دگرگونی اجتماعی*، ترجمهٔ کاووس سیدامامی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۳۶۴، *بحارالانوار*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- محسنی، منوچهر، ۱۳۸۳، *مقدمات جامعه‌شناسی*، تهران، نشر دوران.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۸، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.
- معین، محمد، ۱۳۸۱، *فرهنگ فارسی*، تهران، امیرکبیر.
- ملایی، حسین و محمدصابر جعفری، ۱۳۹۳، «بررسی مناسبات انتظار موعود و الگوی اسلامی پیشرفت در اندیشه مقام معظم رهبری»، *انتظار*، ش ۴۵، ص ۱-۴.
- موسوی اصفهانی، محمدتقی، ۱۳۸۱، *مکیال‌المکارم*، ترجمهٔ مهدی حائری قزوینی، قم، نگین.
- میرمعزی، سیدحسین، ۱۳۹۰، «*الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت محصول اسلامی‌سازی علوم انسانی*»، در: *الگوی اسلامی ایرانی*، تهران، پیام عدالت.